

دین‌گریزی، عوامل و راه‌حل‌ها در پرتو قرآن

محمد بهرامی

مقایسه دین‌گریزی به مثابه یک آسیب اجتماعی با دیگر آسیب‌های اجتماعی اهمیت درخور توجه این آسیب و نقش ویژه آن در پدیداری دیگر آسیب‌های اجتماعی را به اثبات می‌رساند؛ به گونه‌ای که فزونی و کاستی دین‌گریزی، افزایش و کاهش آسیب‌های اجتماعی را در پی دارد. افزایش دین‌گریزی، بالا رفتن آمار طلاق، اعتیاد، فساد و بزه‌کاری را در پی دارد و کاهش آن از آمار این گونه آسیب‌ها می‌کاهد.

نقش دینداری و دین‌گریزی در دیگر آسیب‌های اجتماعی از دید جامعه‌شناسان و روان‌شناسان نیز پنهان نمانده است؛ آنها به قدرت بازدارندگی دین در برابر هنجار شکنی و آسیب‌رسانی اعتراف دارند و دین را عامل مهمی در برقراری زندگی سالم اجتماعی می‌دانند. گوستاو یونگ دین را مانند گرسنگی و ترس از مرگ، واقعی می‌خواند و نبود روحیه دینی در انسان را عامل بروز اختلالات و تشویش‌های روانی معرفی می‌کند،^۱ و کابریل تارد از سرنوشت انسان‌ها در جامعه‌ای که دین در آن حضور ندارد و توان ایستادگی آنها در برابر خواسته‌های مخرب بدون حضور دین احساس نگرانی می‌کند.^۲

افزون بر این، تجربه و پژوهش‌های جدید نیز نشان از گرفتاری کمتر دینداران به هنجارشکنی و بزهکاری دارد:

«جوانان کاتولیک که از دامن مادران مستغرق در مذهب برخاسته‌اند نسبت کوچکی را در میان بزهکاران حائز بوده‌اند؛ در صورتی که جوانانی که در دامن مادرانی تربیت شده‌اند که به طور نامنظم به کلیسا می‌رفتند یا اصولاً به کلیسا نمی‌رفتند نسبت بالاتری را دارا بودند.»^۳

بنابراین دین‌گریزی به عنوان یک آسیب اجتماعی شایسته بحث و بررسی است. در این بررسی نخست معنی‌شناسی دین انجام می‌شود، و آن‌گاه پیشینه، عوامل و راهکارهای رودر رویی با این آسیب اجتماعی بیان گردد.

معنی‌شناسی دین در قرآن

در مجموعه آیاتی که دین و مشتقات آن را در خود جای داده است، جزا، طاعت، باور، اسلام، آخرت و... در شمار معانی دین قرار گرفته است.

این معانی چند گانه با ارجاع برخی به بعضی و ادغام تعدادی در یکدیگر، به دو معنی تقلیل می‌یابد:

۱. قیامت یا آخرت؛ مانند:

«و إنَّ علیک لعنتیٰ اِلیٰ یوم الدین» ص/۷۸

«وقالوا یا ویلنا هذا یوم الدین» صافات/۲۰

«والذین یصدّقون بیوم الدین» معارج/۲۶

۲. مجموعه ای از باورها، رفتارها و مناسک

این مفهوم از دین به گروه، ملت، باورها و رفتارهایی ویژه وابسته نیست. در نگاه قرآن، مشرکان در شمار دینداران هستند؛ چنان که یهودیان نیز با باورها و رفتارهایی متفاوت دیندار شناخته می شوند و هر دو گروه حساسیت های خاص خود را دارند، از سرنوشت دین خود می هراسند و به سختی از آن دفاع می کنند:

«لکم دینکم و لی دین» کافرون/۶

«إنّ الذین فرّقوا دینهم» انعام/۱۵۹

«إنّی أخاف أن یدّئل دینکم» مؤمن/۲۶

«لا تؤمنوا إلاّ لمن تبع دینکم» آل عمران/۷۳

قابلیت اطلاق دین بر باورها و رفتارهای گوناگون، ادیان را به الهی و غیرالهی تقسیم می کند:

«أفغیر دین الله ینیغون» آل عمران/۸۳

همچنین نظر داشت این باورها و مناسک گوناگون «وابستگی به یک موجود برتر» را هسته اصلی دین نشان می دهد. مشرکان با وجود تفاوت های بسیار رفتاری و اعتقادی با دیگر دینداران به یک موجود برتر وابستگی نشان می دهند.

هرچند در آیات قرآن دین به الهی و غیرالهی تقسیم می شود؛ اما دینی که به حق و قیّم توصیف شده و خواست ابراهیم، یعقوب، یوسف، نوح و محمد(ص) دانسته شده تنها دین اسلام است و دیگر ادیان چنین ویژگی هایی ندارند.

نتیجه: دین به معنای مجموعه ای از باورها و رفتارها با محوریت یک موجود برتر است و دین گریزی به معنای فرار برخی دینداران از دین خویش. بنابراین می توان مطلق دین گریزی را به بحث و بررسی نشست؛ چنان که می توان یک دین خاص مانند اسلام را محور بحث قرار داد و از گریز عده ای از مسلمانان از اسلام و عوامل این گریز و راه حل های رودر رویی با این گریز بحث کرد.

پیشینه دین گریزی

دین گریزی به بلندای عمر دین پیشینه دارد. از زمان پیدایش نخستین دین، برخی دین را برناتفتند و گروهی سر بر آستان آن نهادند، اما پس از چندی از آن گریختند. این گریز و عوامل آن در گذشته تاریخ بسیار محدود و انگشت شمار بود، هم دین گریزان در اقلیت بودند و هم عوامل دین گریزی در شمار قرار نمی گرفت. نگاهی به تاریخ پر از فراز و نشیب به دین نشان می دهد دین باوری به تقلیل می رود و دین گریزی رشد می کند، تا آنجا که در چند سده اخیر دین گریزی سرعت چشمگیری یافته، اروپای مسیحی غیرمسیحی می نماید، دین بر شئون زندگی اروپاییان حاکم نیست، دین تافته ای جدا بافته از دیگر نهادهای اجتماعی لحاظ نمی شود، و بسیاری از دول اروپایی تاب تحمل وجود واژه دین را در قانون اساسی اروپای متحد ندارند و خواهان حذف این واژه هستند.

دین گریزی در آیات قرآن نیز پیشینه ای بلند و واقعیتی انکارناپذیر دارد. برای نمونه شماری از یهودیان از دین موسی می گریزند و گوساله پرستی پیشه می کنند (طه/۸۵-۸۸). برخی از اهل کتاب

باعلم به درستی آیات خدا کافر می شوند (آل عمران/۷۰). و چند نفر از مسلمانان از دین خویش می گریزند و به اهل مکه پناه می برند (آل عمران/۸۶).

عوامل دین گریزی

در پرتو مطالعات تطبیقی میان قرآن کریم و دانش جامعه شناسی عوامل بسیاری را می توان برای دین گریزی جست و جو کرد. ما در این میان سیزده مورد را برشمرده ایم که از قرار زیرند:

۱. محیط

یکی از عوامل مهم دین گریزی، محیط خانوادگی، کاری، اجتماعی و فرهنگی می تواند باشد. نشانگر این تأثیر و تأثر، پیدایش و رشد دین گریزی در برخی محیط ها و کاهش آن در دیگر محیط ها است. دین گریزان بیشتر به خانواده ها، دانشکده ها و... خاصی وابسته هستند؛ به گونه ای که شماری از آنها اگر در محیط های متفاوتی قرار گیرند در شمار دین گریزان قرار نمی گیرند. چنان که محیط ناسالم در این دین گریزی تأثیرگذار است؛ در برنتافتن دین نیز بسیار نقش آفرین است. برای نمونه در برخی از آیات، وابستگی به باورها و عادات پیشینیان عامل اصلی نپذیرفتن دین شمرده شده است.

در تعدادی از این آیات، نقش محیط در گریز از رفتارها و مناسک مطلوب دین دیده می شود. کافران که در محیط فرهنگی و اجتماعی خاصی زیسته اند و آداب و رسوم خاصی یافته اند در برابر فراخوان پیامبران از باورها و عادت های پیشینیان خود سخن می گویند:

«و إذا قيل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفينا عليه آباءنا» انبیاء/۵۳

«و إذا قيل لهم تعالوا إلى ما أنزل الله و إلى الرسول قالوا حسبنا ما وجدنا عليه آباءنا»

مائده/۱۰۴

«وإذا فعلوا فاحشاً قالوا وجدنا عليها آباءنا» اعراف/۲۸

این آیه قرینه است که دیگر آیات نیز از تأثیر محیط بر رفتارها می گویند.

در دسته ای دیگر از آیات، تأثیر محیط بر گریز از باورها و عقاید دینی آمده است:

«قالوا أجتنا لتلفتنا عما وجدنا عليه آباءنا» یونس/۷۸

«فقال الملأ الذين كفروا من قومه ما هذا إلا بشر مثلكم يريد أن يتفضل عليكم و لو شاء الله لأنزل

ملائكته ما سمعنا بهذا في آباءنا الأولين» مؤمنون/۲۴

۲. دوستان و مربیان

عامل دیگر دین گریزی، دوستان، مربیان و احبار هستند. نظر سنجی ها از تأثیر شگرف دوستان بر یکدیگر، مربیان بر دانش آموزان و کاهش اعتماد فرزندان به والدین و حرف شنوی از ایشان حکایت دارد. از سویی حدود ۸۰٪ از والدین به نوعی فرزندان خویش را ناسازگار می خوانند. و از سویی دیگر نوجوانان به رفتارها و باورهای والدین خرده می گیرند و حاضر به پیروی از ایشان نیستند. ۴

قوم موسی بیشتر تحت تأثیر سامری قرار گرفتند و از دین موسی گریختند (طه/۸۵-۸۸). در آخرت نیز دوزخیان عذر به درگاه خدا می برند و دوستان ناشایست را عامل دین گریزی خود معرفی می کنند:

«یا ویلتی لیتنی لم أتخذ فلاناً خلیلاً» فرقان/۲۸

«و کنا نخوض مع الخائضین» مدثر/۴۵

چنان که دوستان و مربیان در گریزان ساختن دینداران از دین خویش سهم دارند در پذیرا نشدن ایشان دین حق را نیز نقش آفرین هستند. برای نمونه فرزند نوح(ع) تحت تأثیر محیط و دوستان از دین گریخت و از شمار خاندان و نجات یافتگان بیرون رفت (هود/۴۶). شماری از کافران با الگوگیری از بزرگان خود به دین گریزی کشانده شدند:

«اتخذوا أحبارهم و رهبانهم أرباباً من دون الله» توبه/۳۱

«وقالوا ربنا إنا أطعنا سادتنا و کبرائنا فأضلونا السبیل» احزاب/۶۷

۳. فشار و خشونت

یکی از عوامل مهم آسیب های اجتماعی اجبار و اکراه بر انجام برخی رفتارها و کردارها بوده و هست. اجبار، خشونت و سخت گیری پیامدهای بسیار ناگواری دارد که لج بازی، پنهان کاری، دروغ و انتقام، تنها بخشی از نتایج سوء این عامل هستند. خشونت دیدگان بیشتر از دیگران دگرآزاری می کنند، بیشتر انتقام می گیرند و با رغبت بیشتری هنجار شکنی می کنند. گری گوری می گوید: کتک خورده ها در آینده یا افرادی بی اراده و شل و ول بار می آیند و یا آدم های قلدری که با نگاه به گذشته در پی انتقام گیری هستند. ۷

جامعه شناسان نیز اجبار و لزوم نهفته در هنجارهای آتی را زمینه ساز ناسازگاری و هنجارشکنی عده ای می دانند. ۸ دین گریزی نیز چونان دیگر آسیب های اجتماعی از این عامل بی بهره نمانده است. خشونت هایی که به نام دین انجام می گیرد و الزام هایی که در جهت دین آوری صورت می پذیرد گروهی را در صف دین گریزان آورده است و در نگاه ایشان تصویر دین، تصویری خشن و همراه با فشار، تهدید و ارباب می گردد. بسیاری از کودکان در دوران نوجوانی و جوانی، تهدید و گاه تنبیه والدین به انجام فرائض و ترک برخی رفتارها را شاهد بوده اند، و در محیط تحصیلی کاستن از نمره انضباط، تحقیر و تهدید را تحمل کرده و به اجبار در نماز جماعت و دیگر مراسم دینی شرکت کرده اند، و سپس در محیط کار و فعالیت به نام دین، بست و بندهای بسیار را تجربه می کنند.

در نظرگاه قرآن نیز مهربانی، خویشتن داری و آسان گیری بر مردم، عامل جذب آنان، و سخت گیری و فشار، عامل گریز از دین معرفی شده است:

«فبما رحمة من الله لنت لهم و لو كنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر لهم»

آل عمران/۱۵۹

با این نگاه، قرآن از پیامبران، نرم گویی با سردمداران کفر و فساد را می طلبد و ایشان را از درشت گویی باز می دارد:

«فقلوا له قولاً لیناً لعلّه یتذکر أو یخشی» طه/۴۴

و احکام را به گونه ای تشریح می کند که دینداران در سختی گرفتار نیابند: «لَا يَكْفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وَسْعَهَا».

۴. ناکارآمد دیدن دین

یکی از عوامل دین گریزی ناکارآمدی دین است. انسان عصر جدید از تنهایی، انزوا، اضطراب و... بسیار آزار می بیند.

هری استاک سالیوان می گوید:

در عصر فروید دغدغه اصلی سرکوب جنسی بود و در عصر جدید مشکل اصلی انسان تنهایی

است. ۹

گوستاو یونگ می نویسد:

«ما در عصر بزرگ ترین آشوب ها و بی قراری ها به سر می بریم؛ در عصر کشمکش های عصبی،

اغتشاش های ذهنی و سردرگمی دیدگاه ها و باورها» ۱۰.

فروم می گوید:

زندگی ما توأم با آشفتگی و سرگردانی روحی است که به گونه ای خطرناک به حالت دیوانگی

نزدیک شده است. ۱۱

فشارهای روانی بر انسان معاصر به اندازه ای است که ۸۰٪ بیماری های جدید از فشارهای روانی

ناشی می شود.

این انسان با این دغدغه ها و مشکلات روحی و روانی، دین را عاملی برای نجات خویش می بیند و

به سمت دین می رود. براین اساس یونگ برای دین خصلتی روان درمان گرانه قائل است و دین را

معنی بخش وجود انسان و رهایی بخش او از مشکلات می شناساند. ۱۲ و مالدینوفسکی نیز چونان یونگ

می اندیشد. ۱۳ و با همین تصور مشرکان بت پرستی می کردند و از بت های خود انتظار یاری داشتند:

«وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ آلِهَةً لَعَلَّهُمْ يَنْصُرُونَ» یس/۷۴

این نیاز انسان را برخی از طراحان دین، شناسایی کرده با طرح ادیان جدید، خود را رهایی بخش

انسان از مشکلات روحی و روانی معرفی می کنند. نورمن ویت سنت پیل طراح یکی از این ادیان می

گوید:

با اطمینان به نفس و حرارت و نگرش مثبت و به کمک پروردگار می توانی مشکلات شخصی

خویش را حل کنی و قادر متعال علاج نگرانی است. ۱۴

در ژاپن نیز ادیان جدید، مهاجرین به شهرها را که نسبت به سایر ژاپنی ها از تنهایی، غم و اندوه

بیشتری رنج می برند نشانه می گیرند و در جذب و پذیرش آنها بسیار موفق جلوه می کنند، آنها این

اطمینان را به پیروان خویش می دهند که دین پذیرفته شده رهایی بخش و آرامش آفرین است.

وقتی انسان با این رویکرد به سمت دین می رود و در شمار دینداران قرار می گیرد از دین آرامش

و سعادت و رهایی از تنهایی را می طلبد. اگر دین نتواند این خواسته را برآورده سازد گریز از چنین

دینی طبیعی است.

برخی دین گریزی ها در دوران معاصر از آن جهت است که دین گریزان دین را فاقد راهکارهای

مناسب برای برون رفت از غم، غصه، اندوه و اضطراب می دانند، آنها تصویر می کنند دین نه تنها ایشان

را از تنهایی و اضطراب نمی رهند، بلکه با توصیه به گریه، بر سر و سینه کوفتن و خویشتن آزاری، غم و غصه و اندوه آنها را تشدید می کند.

۵. شک و تردید

یکی دیگر از عوامل دین گریزی شک و تردید نسبت به آموزه ها و سنت های دینی است. این عامل در عصر جدید که دوران گرداب های سهمگین شک و تردید است بسیار بیشتر از گذشته جلوه می کند. گرداب شک و تردید چنان گسترده و فراگیر است که هیچ آموزه ای از آن بی نصیب نمانده است.

کارل گوستاو یونگ می گوید:

«من در مجموع خیال می کنم اغراق نیست وقتی که می گویم انسان امروزی از لحاظ روان شناختی دچار شکی کم و بیش مرگبار شده و در نتیجه غریق شک و تردید گشته است.» ۱۵

انسان امروز به تمامی باورها و اعتقادات و مناسک پیشینیان به دیده شک و تردید می نگرد، او تفاوتی میان معارف مقدس و نامقدس نمی بیند و شک و تردید خویش را در تمام حوزه ها می گستراند.

این شک و تردیدها وقتی در قالب پرسش درآیند و جواب شایسته گیرند بسیار خجسته و ارزشمند می نمایند و دینداری را مستحکم می سازند، اما وقتی پرسشی نشوند یا پاسخ بایسته نگیرند بسیار ویرانگر می شوند؛ به ویژه آن گاه که پرسشگر، دین را نابردبار در برابر پرسش های خود ببیند. پیامبر اُمّی می ماند؛ مبادا برخی از مسلمانان در وحیانی بودن قرآن شک و تردید کنند و دین گریز شوند:

«و ما کنت تتلوا من قبله من کتاب و لاتخطه بیمینک إداً لارتاب المبطلون»

عنکبوت/۴۸

و شک و تردید شماری از مسلمانان، آنها را به دین گریزی می کشاند، تا جایی که به خدا و روز واپسین به دیده تردید می نگرند:

«إنما یستئذنک الذین لایؤمنون بالله و الیوم الآخر وارتابت قلوبهم فهم فی ریبهم یترددون»

توبه/۴۵

چنان که شک و تردید عامل مهمی در گریز دینداران از دین است؛ این شک و تردید عامل مهم در عدم پذیرش دین حق است. بنی اسرائیل به جهت شک و تردید دین موسی را برنتافتند و گفتند:

«یا موسی لن نؤمن لک حتی نری الله جهره» بقره/۵۵

و درباره ایشان می خوانیم:

«إنهم لفی شک منه مریب» هود/۱۱۰

قوم عاد در حقانیت دین هود شک و تردید داشتند و خواستار نشانه بودند و بدون نشانه پذیرای دین نمی شدند و از خدایان خویش دست برنمی داشتند:

«یا هود ما جئنا ببینه و ما نحن بتارکی آلہتنا عن قولک و ما نحن لک بمؤمنین»

هود/۵۳

قوم صالح خود را در شک و تردید می دیدند و از اینکه صالح(ع) با این شک، آنها را به دین خویش می خواند شگفت زده بودند:

«أتنهانا أن نعبد ما يعبد آباؤنا و إنا لفي شك مما تدعونا إليه مريب» هود/۶۲

یوسف(ع) نیز نشانه ها می آورد، اما گروهی گرفتار شک و تردید یا به بهانه شک و تردید دین او را بر نمی تابند:

«و لقد جاءكم يوسف من قبل بالبينات فما زلتم في شك مما جاءكم به» مؤمن/۳۴

قوم نوح، عاد، ثمود و... نیز به فراخوان پیامبران به دیده شک می نگرند:

«و قالوا إنا كفرنا بما أرسلتم به و إنا لفي شك مما تدعونا إليه مريب» ابراهیم/۹

و از ایشان معجزه می خواهند:

«فأتونا بسلطان مبين» ابراهیم/۱۰

فرعون نیز به موسی شک داشت و او را دروغگو می خواند:

«إني لأظنه كاذباً» مؤمن/۳۷

از این جهت به هامان گفت برای من برجی بلند بساز تا از فراز آن به خدای موسی که درباره او شک دارم دست یابم:

«و قال فرعون يا هامان ابن لي صرحاً لعلی أبلغ الأسباب أسباب السموات فأطلع إلى إله موسی»

مؤمن/۳۶-۳۷

و همین شک و تردید عامل نپذیرفتن اسلام از سوی عده ای است:

«أم يقولون افتراه» سجده/۲

«و ما كنت تتلو من قبله من كتاب و لا تخطه بيمينك إذا لارتاب المبطلون»

عنکبوت/۳۸

کافران، اسلام را ساختگی می دیدند و نسبت به وحی تردید داشتند:

«ء أنزل عليه الذكر من بيننا بل هم في شك من ذكري» ص/۸

چنان که نسبت به آخرت و دین پیامبر اسلام نیز در تردید بودند:

«بل هم في شك منها» نمل/۶۶

«قل يا أيها الناس إن كنتم في شك من دینی» یونس/۱۰۴

«يا أيها الناس إن كنتم في ريب من البعث» حج/۵

این شک و تردیدها نسبت به وحی، پیامبر، آخرت و... عامل اصلی گریز عده ای از اسلام و فرارشان از جهاد است:

«إنما يستغذونك الذين لا يؤمنون بالله و اليوم الآخر و ارتابت قلوبهم فهم في ريبهم يترددون»

توبه/۴۵

۶. ناسازگارنمایی با عقل

نیازهای انسان به دو گروه تقسیم می شود: ۱. نیازهای فطری، ۲. نیازهای غیرفطری.

نیازهای فیزیولوژیک، ایمنی خواهی، تعلق پذیری و عشق، احترام و خودشکوفایی در شمار فطریات هستند.

آبراهام مزلو نیازهای شناختی را نیز از شناخت های فطری می خواند:

«شواهد تاریخی قابل ملاحظه ای نشان می دهد که مردم با به خطر انداختن زندگی شان به دنبال دانش بوده اند. از این رو این نیاز را بالاتر و برتر از نیازهای ایمنی خود قرار داده اند.» ۱۶

در نگاه عده ای این نیازهای شناختی خاستگاه دین است. برای نمونه اگوست کنت، هربرت اسپنسر، ادوارد تیلی و جیمز فریزر، خاستگاه دین را عواطف نمی دانند؛ به باور آنها انسان های اولیه دانش خواه بودند و ذهن آنها بسیار عقلایی. این گروه ریشه فعالیت های دینی و مناسک را در باور داشت ها و اندیشه ها جست و جو می کنند و ریشه دین را در خرد بشری می جویند.

بنابراین وقتی گروهی دینی را پذیرا می شوند انتظار ناسازگاری آن دین با خرد را ندارند که اگر چنین تنشی میان عقل و دین رخ نماید آنها از دین به سود عقل چشم می پوشند.

برخی از دین گریزی ها در میان جوانان و دیگر اقشار جامعه از سر ناسازگار دیدن دین با عقل است. عده ای در جهان اسلام، شبیه خوانی، تعزیه خوانی، معجزات، شیطان، جن، تفاوت مرد و زن در دینه، ارث و... را بر نمی تابند و آنها را با عقل ناسازگار می خوانند، چنان که در میان مسیحیان نیز شماری تثلیث، رخدادهای زمان تولد مسیح، عشاء ربّانی و تأثیر قطعه نانی تبرک شده و جرعه ای شراب در خوشبختی را که از باورهای مسیحیان است با عقل ناسازگار می شناسند و برخی یهودیان نیز بی بندوباری سلیمان، کشتی گرفتن یعقوب با خدا، فریاد و فغان ایوب و هوسرانی داود را - آن گونه که تورات می گوید - با خرد ناسازگار می شناسند.

۷. ناسازگارنمایی با علم

در نگاه عده ای علم و دین ناسازگار با یکدیگرند و تلاش های فراوانی که در راستای آشتی این دو انجام شده ناکام است. دین نظریات نوآمد علمی را بر نمی تابد. چنان که تصور اینکه یک نفر هم دیندار باشد وهم دانشمند، امکان پذیر نیست. استیون وینبرگ، فیزیک دان، به عنوان نماینده برجسته این گروه می گوید:

«هر چه علم، عمیق تر به سرشت اشیاء نگاه کند کمتر به نظر می رسد جهان نشانی از یک خدای «علاقه مند» را در برداشته باشد.» ۱۷

اینشتین، همفکر وینبرگ نیز خدای شخصی اسلام، مسیحیت و یهودیت را پذیرفتنی نمی داند. یکی از نمونه های برجسته ناسازگاری علم و دین، نظریه تکامل داروین است. این نظریه با آنچه ادیان به عنوان هدفداری جهان مطرح می کنند کاملاً در ناسازگاری است. وینبرگ می گوید:

«ناسازگاری که نظریه تکامل با دین می آفریند از فیزیک بیشتر است؛ چه اینکه این نظریه، عقیده به یک خدای ذوالعنایه را به چالش می کشد. برداشت وینبرگ به باور پیروان داروین نیز صحیح می نماید؛ چنان که هائیکل، کارل مارکس، نیچه، فروید و... نیز با الحاد سازگار است.» ۱۸

همچنان که ناسازگار دیدن دین با علم از عوامل مهم دین گریزی است؛ تهی دیدن دین از علم و بی ثمر بودن آن نیز از عوامل دین گریزی شناخته می شود. برای نمونه کافران از آن جهت از اسلام می گریختند که قرآن را اساطیر می شناختند، و از علم تهی می دانستند. درنگاه آنها اساطیر از واقعیت تهی است و ثمره ای جز سرگرمی ندارد، اما علم فواید بسیار دارد و انسان را در رسیدن به خواسته ها و آرزوها یاری می کند:

«إن هذا إلا أساطير الأولين» انعام/۲۵

رشید رضا در تفسیر این آیه می نویسد:

«یعنی آنها را لعقلون ممتا فی القرآن من انباء الغیب فی قصص الأمم مع رسلهم، إلا آنها حکایات و

خرافات تستطر و تکتب کغیرها، فلا علم فیها و لا فائدة منها» ۱۹.

این نمونه و نمونه های دیگر با فرض بهانه بودن نیز حکایت از آن دارد که کافران اسطوره را بر

نمی تابند و آن را با علم ناسازگار می شناسند.

امروزه نیز برخی از اهل کتاب به جهت ناسازگاری کتاب مقدس با یافته های علمی از آن می

گریزند. موریس بوکای می نویسد:

«در مورد عهد عتیق نیازی بود از کتاب نخست آن یعنی سفر پیدایش پا فراتر نهم، تا به تأکیدی

آشتی ناپذیر و غیرقابل توجیه با معلومات قطعی علمی روبرو شوم» ۲۰.

یباتی گورسگی می گوید:

«در انجیل ها چه از جهت تاریخی و چه از لحاظ جغرافیایی مطالب نادرست فراوان به چشم می

خورد» ۲۱.

نمونه هایی از دین گریزی در جهان اسلام نیز دیده می شود. برای نمونه کسروی برخی از آیات را

با علم ناسازگار می بیند و از اسلام می گریزد و برخی از جامعه شناسان و روان شناسان نیز از آن

جهت که وحی، شیطان، جن و فرشته را در خور آزمایش و تحلیل و بررسی علمی نمی دانند از دین

می گریزند و یا به تحلیل علمی وحی و شیطان و موضوعاتی از این دست می پردازند؛ تحلیلی که در

نظرگاه دینداران عین دین گریزی است.

۸. فقر

یکی از عوامل مهم و کلیدی در بروز ناهنجاری های اجتماعی، فقر است. برای نمونه ۸۵ تا ۹۰٪

جرایم در ایتالیا توسط افراد خانواده های فقیر انجام می شود در صورتی که این خانواده ها ۶۰٪ کل

جمعیت را تشکیل می دهند. تحقیقات دکتر سیریل برت در کتاب بزهکار جوان نیز جرایم فقرای

لندن را ۱۹٪ و جمعیت آنها را ۸٪ کل جمعیت لندن می خواند. ۲۲

نقش فقر در پدیداری آسیب های اجتماعی در دین گریزی نیز دیده می شود؛ به گونه ای که

بخشی از دین گریزی ها در خانواده های ضعیف یا بسیار ضعیف است. تأثیرگذاری فقر بر پدیداری

آسیب های اجتماعی و هنجارشکنی در جایی است که فقر منفی انگاشته شود، اما اگر مثبت دیده

شود و امتحان الهی قلمداد گردد به دین گریزی و هنجارشکنی و آسیب رسانی نمی انجامد.

افزون براین نقش فرد در پدیداری فقر نیز بسیار مهم جلوه می کند. فقری که از تنبلی و سستی

فرد پدید می آید در مقایسه با فقری که در یک حکومت دینی پدید می آید بسیار کمتر به دین

گریزی می انجامد. فقری که در یک حکومت دینی پدیدار می شود به حساب دین گذاشته می شود و

زمینه های گریز از دین را فراهم می سازد، اما اگر همین فقر در یک حکومت سکولار رخ دهد، دین

گریزی نمی آورد.

تأثیر فقر بر دین گریزی در آیات قرآن نیز دیده می شود:

«الشيطان يعدكم الفقر» بقره/۲۶۸

شیطان مسلمانان را از فقر می ترساند، شاید ایشان از فقهر بهراسند و دین گریزی پیشه کنند. در برابر، خداوند وعده آمرزش و فزونی می دهد:

«و الله يعدكم مغفرة منه و فضلاً» بقره/۲۶۸

و تهی دستان را از فضل خویش بهره مند می سازد:

«إن یكونوا فقراء یغنهم الله من فضله» نور/۳۲

و بر این اساس در روایات می خوانیم:

«كاد الفقر أن یكون كفراً».

۹. روان پریشی

یافته های جدید علمی نشان از بیماری شمار زیادی از آسیب رسانان و هنجارشکنان دارد. این یافته ها، دستگاه ها و نهادهای مسئول را ناگزیر از فراخوان روان پزشکان و مددکاران اجتماعی ساخته است، تا آنجا که امروزه بیشتر زندان ها و ندامتگاه ها از خدمات این گروه ها بهره می گیرند و در اصلاح زندانیان و درمان آنها می کوشند.

دین گریزی نیز مانند بسیاری از آسیب های اجتماعی متأثر از این بیماری ها می باشد. خاستگاه شناسی دین گریزی گروهی از دین گریزان، نشان از بیماری شدید آنها دارد؛ به گونه ای که ایشان در برابر دین، مانند سنگ یا شدیدتر از سنگ می نمایند:

«ثمّ قست قلوبكم من بعد ذلك فهی كالحجارة أو أشدّ قسوة» بقره/۷۴

«و أما الذین فی قلوبهم مرض فزادتهم رجساً إلى رجسهم» توبه/۱۲۵

«فتری الذین فی قلوبهم مرض یسارعون فیهم» مائده/۵۲

عناد، دشمنی، تکبر، حسد و... برخی از بیماری های دین گریزان است. شماری از بنی اسرائیل خودبزرگ بینی داشتند، خویش را برتر از طالوت می دانستند، رهبری او را بر نمی تافتند، از جهاد سرباز می زدند:

«و قال لهم نبیهم إنّ الله قد بعث لکم طالوت ملکاً قالوا أئی یكون له الملك علینا و نحن أحقّ

بالمملک منه» بقره/۲۴۷

۱۰. سخنگویان دین

کنش های رفتاری و گفتاری ناشایست برخی سخنگویان دین و مسئولین حکومتی یکی دیگر از عوامل دین گریزی است. برخی سخنگویان دینی وضعیت فرهنگی و اجتماعی رضایت بخشی ندارند، این عده در مواجهه با دیگران نفرت آفرینی می کنند و ایشان را دین گریز می سازند، دین را در قالب پوسیده و فرهنگی و اجتماعی و خاص خود می برند و با خرافه سازی و جعل و تحریف دین، چهره ای نامطلوب و زننده از دین ترسیم می کنند و با انگشت نهادن روی برخی روایات که بیشتر ساختگی می نمایند تاب تحمل مخاطب را می ربایند.

برای نمونه برخی از دین گریزی ها در غرب، نتیجه نفرت مردم از کشیشان بود. مردم امتیازات این گروه و تنگ نظری و قدرت طلبی و ثروت برخی از اسقف ها را بر نمی تافتند و با دین گریزی در برابر ایشان واکنش نشان می دادند. در آیات قرآن نیز برخی از نشانه های نقش دانشمندان اهل کتاب در دین گریزی آمده است:

«يا أيها الذين آمنوا إن كثيراً من الأحبار و الرهبان ليأكلون أموال الناس بالباطل و يصدّون عن سبيل الله» توبه/۳۴

گروهی از علمای اهل کتاب با در هم آمیختن ساخته های خویش با دین، با هدف مادی دین را با زندگی و خرد ناسازگار نشان می دهند و زمینه های دین گریزی را فراهم می سازند:
«فویل للذين يكتبون الكتاب بأيديهم ثم يقولون هذا من عند الله ليشتروا به ثمناً قليلاً»
بقره/۷۹

«يا أهل الكتاب لا تغلوا في دينكم» نساء/۱۷۱

در جهان اسلام نیز برخی سخنگویان چنین نقشی دارند؛ آنها با رفتار زشت، دنیاطلبی، گناه، خشونت و باورهای خویش مردم را به اصل دین بدین می کنند و ایشان را به وادی دین گریزی می برند؛ در صورتی که آیات یاد شده به علمای اهل کتاب محدود نمی شود، بلکه سخنگویان اسلام نیز مشمول این آیه هستند و باید از سوق دادن مردم به دین گریزی بپرهیزند.

۱۱. خواسته های نفسانی

عده ای دین را بر نمی تابند؛ از آن جهت که آموزه های پیامبران با بی بند وباری و ولنگاری ایشان ناهمخوان است و بر زیاده خواهی ها و آزادی های جنسی ایشان قید و بند می زند:
«و لقد آتينا موسى الكتاب و قفينا من بعده بالرسول و آتينا عيسى بن المريم البينات و أيدناه بروح القدس أفكلمنا جاءكم رسول بما لاتهوى أنفسكم استكبرتم ففريقاً كذبتم و فريقاً تقتلون»
بقره/۷۸

این گروه دین را بر نمی تابند و هوای نفس را معبود خود قرار می دهند:

«أرأيت من اتخذ إلهه هواه» فرقان/۴۳

شیطان را الگو می گیرند، هنجارشکن می شوند، فساد و تباهی می کنند و از گمراه ترین مردم هستند:

«و من يتبع خطوات الشيطان فإنه يأمر بالفحشاء و المنكر» نور/۲۱

«و من أضلّ ممّن اتّبع هواه» قصص/۵۰

پیروی از این اسیران هوی و هوس نامطلوب و ناپسند است و خطر دین گریزی را در پی دارد:

«و لاتتبع أهواءهم عمّا جاءك من الحقّ» مائده/۴۸

و پیروان این عده از سوی خدا سرپرستی و یاری نخواهند شد:

«و لئن اتّبعت أهواءهم بعد الذی جاءك من العلم مالک من الله من ولی و لانصیر»

بقره/۱۲۰

۱۲. تهاجم دینی

هجوم رسانه ای شدید بر ضد دین و متولیان دین، یکی دیگر از عوامل دین گریزی است. دین ستیزان با امکانات گسترده اقتصادی، رسانه ای و اطلاع رسانی، به طرح ایسم هایی می پردازند که دین را بر نمی تابند. آنها با ناکارآمد نشان دادن دین و به چالش کشیدن باورها، رفتارها و مناسک دینی و پخش شایعات درباره شخصیت های دینی سهم زیادی در دین گریزی دارند. برنامه های

تلویزیونی و ماهواره ای جذاب و در عین حال هدفمند این گروه، دین را افیون ملت ها، عامل عقب ماندگی، انحطاط و استبداد معرفی می کند.

تهاجم را نیز می توان به عنوان یک عامل دین گریزی در آیات قرآن ردیابی کرد. برخی از شیوه های دین ستیزان در قرآن عبارتند از:

یک. تخریب شخصیت ها

دین ستیزان برای راندن مردم از دین، پیامبران را نابردبار، قدرت طلب، تمامیت خواه، مجنون، ساحر، گمراه و... معرفی می کنند:

«قالوا یا شعيب أُولوتك تأمرک أن نترک ما یعبد آبؤنا أو أن نفعل فی أموالنا ما نشاء إنک لأنت الحليم الرشید»

«قالوا أ جئتنا لتلفتنا عمّا وجدنا علیه آبءنا و تكون لکما الکبرياء فی الأرض»

یونس/۷۸

«قالوا سحران تظاهرا» قصص/۴۸

«ما هذا إلاّ بشر مثکم یرید أن یتفضّل علیکم» مؤمنون/۲۴

«و یقولون أننا لتارکوا آلہتنا لشاعر مجنون» صافات/۳۶

«و قال الکافرون هذا ساحر کذاب» ص/۴

دو. تخریب کتاب آسمانی

روش دیگر دین ستیزان زیر سؤال بردن قرآن بود:

«یقول الذین کفروا إنّ هذا إلاّ اساطیر الأولین» انعام/۲۵

«أم یقولون افتراه قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات» هود/۱۳

۱۳. گستردگی بی ضابطه شریعت

یکی دیگر از عوامل دین ستیزی نشان دادن اسلام به عنوان دینی پرشریعت است. عده ای اصرار دارند دین اسلام را پرشریعت ترین دین معرفی کنند و با تنگ نظری و سخت گیری برخی از مباحث را تحریم کنند و هر روز قید و بندی جدید به نام دین بر انسان تحمیل کنند؛ در صورتی که این گسترش نه تنها امتیازی برای مسلمانان و اسلام نیست، بلکه برخی از مسلمانان را به رودر رویی با شریعت می کشاند. از سوی دیگر جمعیت قابل توجهی موسیقی گوش می دهند، پوشش کامل اسلامی ندارند، ظواهر دینی را رعایت نمی کنند و... این عده وقتی بسیاری از رفتارها و گفتارهای خود را با دین در ناسازگاری می بینند و با برخی از سخت گیری های فرادینی نیز روبرو می شوند، به سمت دین گریزی و رهایی از دغدغه های دینداری می روند.

راه حل های دین گریزی

دین گریزی مانند دیگر آسیب های اجتماعی قابل پیشگیری و درمان است. با راهکارهایی می توان از دین گریزی پیشگیری کرد و در صورت رخداد به درمان آن پرداخت.

مرحله پیشگیری

در این مرحله سه راهکار اساسی وجود دارد:

۱. معرفی شایسته و بایسته دین

معرفی درست دین یکی از راه های مهم جلوگیری از دین گریزی است. اگر دین باوران دین را خرد گریز نشان ندهند، آموزه ها و باورهای دینی را با شواهد و نشانه های بسیار عرضه کنند و شک و تردید را از مخاطبان بگیرند، نوید بخشی دین را فریاد کنند و از سعادت آفرینی دین سخن گویند و دین را ناسازگار با علم نشان ندهند، از ناحیه اصل دین، شاهد دین گریزی مردم نخواهیم بود. در این رهگذر، چهار محور بایسته تر به نظر می رسد که عبارتند از:

الف. طرح خردمندانه دین

بخشی از دین گریزی ها از ناسازگار دیدن دین با خرد آدمی پدید می آید. برای پیشگیری از این تصور، باید از آیات قرآن در طرح دین الگو گرفت و دین را همان گونه که قرآن معرفی می کند طرح و عرضه داشت. وقتی به آیات قرآن مراجعه می کنیم خردمندان و صاحبان فکر و اندیشه را بسیار مقرب و پرمنزلت می بینیم:

«قل هل یستوی الذین یعلمون و الذین لایعلمون» زمر/۹

دین را با تعقل و تدبر در آمیخته می یابیم و نشانه هایی چونان زنده شدن گاو بنی اسرائیل را در جهت واداشتن انسان به اندیشه می بینیم:

«کذلک نفضّل الآیات لقوم یعقلون» روم/۲۸

«کذلک یبین الله لکم آیاته لعلکم تعقلون» بقره/۲۴۲

«کذلک یحی الله الموتی و یریکم آیاته لعلکم تعقلون» بقره/۷۳

«إنا أنزلناه قرآناً عربياً لعلکم تعقلون» یوسف/۲

«کتاب أنزلناه إلیک مبارک لیدبروا آیاته و لیتذکر أولوا الألباب» ص/۲۹

در این راستا پدیداری دین با نشانه های بسیاری همراه است و تصور تعقل گریزی از ساحت دین برچیده شده، پیامبران معجزه می آورند، باورها در قالب عقلی ریخته می شود، شکل منطقی می یابد و پیامبر اسلام صاحب برهان معرفی می شود:

«أ فی الله شکّ فاطر السموات و الأرض» ابراهیم/۱۰

«لوکان فیهما آلهة إلاّ الله لفسدتا» انبیاء/۲۲

«فلما جنّ علیه اللیل رأى کوکبا قال هذا ربّی فلما أفل قال لأحبّ الأفلین. فلما رأى القمر بازغاً قال هذا ربّی فلما أفل قال لئن لم یهدنی ربّی لأکوننّ من القوم الضالّین. فلما رأى الشمس بازغاً قال هذا ربّی هذا أكبر فلما أفلت قال یا قوم إنّی بریء ممّا تشرکون» انعام/۷۶-۷۷

«قال إنّی علی بینة من ربّی» انعام/۵۷

در تشریح احکام نیز سازگاری میان عقل و تشریح به روشنی دیده می شود و احکام بر پایه مصالح و مفسد و نیازها شکل می گیرد، به گونه ای که اگر عقل قادر بر فهم تمام این مصالح و مفسد باشد

هیچ گونه ناسازگاری از خود بروز نمی دهد و تسلیم بی قید و شرط این احکام و مقررات اجتماعی اسلام خواهد شد.

در برابر این دین، صاحبان خرد و اندیشه، تسلیم، و نابخردان نابردبارند. آنها دین را به هیچ روی بر نمی تابند و آن را به سخره می گیرند:

«صم بکم عمی فهم لایعقلون» بقره/۱۷۱

«و إذا قیل لهم اتبعوا ما أنزل الله قالوا بل نتبع ما ألفینا علیه آباءنا أو لوکان آباءهم لایعقلون شیئاً و لایهتدون» بقره/۱۷۰

«و إذا نادیتم الی الصلوۃ اتخذوها هزواً و لعباً ذلک بأنهم قوم لایعقلون» (مائده/۵۸)

قرآن از این نابخردان برهان می خواهد: «قولوا قولاً سدیداً» (احزاب/۷۰) و آنها ناتوان نشان می دهد.

ب. اطمینان سازی دین

شماری از دین گریزی ها از تردید و شک در باورها و رفتارهای دینی بر می خیزد. در این موارد طرح دین همراه با نشانه ها و دلایل اطمینان آور، بهترین راهکار شناخته می شود.

مخاطبان پیامبران الهی با شک و تردید در آورده های پیامبر می نگرستند:

«و إنا لفی شکّ ممّا تدعوننا إلیک مریب» ابراهیم/۹

آنها خواهان معجزه بودند:

«فأتوا بسطان مبین» ابراهیم/۱۰

و قوم هود به وی می گویند:

«یا هود ما جئتنا ببینه و ما نحن بتارکی آلہتنا عن قولک و ما نحن لک بمؤمنین»

هود/۵۳

پیامبران در برابر این عده با معجزات و دلایل و براهین روشن، آورده های خویش را اثبات می کردند و شک و تردید را از اذهان مخالفان می زدودند. و اگر می بینیم عده ای هم چنان از شک و تردید خود سخن می گفته اند به دلیل آن بوده که علاقه ای به رهایی از شک و تردید نداشتند.

ج. آرامش بخشی دین

آرامش بخشی و سعادت آفرینی دین در مقایسه با دیگر کارکردهای دین بسیار کم رنگ جلوه می کند. این کاستی عده ای را به این توهم کشانده که دین سعادت آفرین نیست یا آرامش بخشی آن از ایسم های جدید کمتر است.

رودررویی با این توهم، طرح فلسفه دین به خصوص با این رویکرد را بایسته می سازد. از این رهگذر، دین در آیات قرآن آرامش آفرین است:

«ألأبذکر الله تطمئنّ القلوب» رعد/۲۸

انسان ها را از تاریکی به سوی نور رهنمون می کند:

«الله ولی الذین آمنوا یخرجهم من الظلمات إلی النور» بقره/۲۵۷

ترس، اضطراب، دلهره و اندوه را از فضای زندگی دینداران دور می کند و ایشان را در امنیت و آرامش قرار می دهد:

«فمن تبع هدای فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون» بقره/۳۸

در راستای سعادت آفرینی دین، کتاب های آسمانی هدایتگرند و سعادت را به ارمغان می آورند:

«و أنزل التوراء و الإنجیل من قبل هدی للناس» آل عمران/۴

«یا ایها الناس قد جاءکم موعظة من ربکم و شفاء لما فی الصدور و هدی و رحمة للمؤمنین»

یونس/۵۷

آرامش آفرینی دین به باورهای دینی محدود نمی ماند، بلکه عبادات، مناسک و تمامی شریعت اسلام نیز تولید آرامش می کند:

«من آمن بالله و الیوم الآخر و عمل صالح فلاخوف علیهم و لاهم یحزنون» مائده/۶۹

«من عمل صالحاً من ذکر أو انثی و هو مؤمن فلنحییته حیاة طيبة» نحل/۹۷

نتیجه: الهام گیری از این گونه آیات و بهره وری از یافته ها و دانش های جدید در توضیح و تبیین کارکرد باورها و رفتارهای دینی، چهره ای جدید برای دین می سازد؛ تصویری که در میان نسل پر دغدغه و پر اضطراب امروز طرفداران بسیاری دارد. اگر نقش دین به صورت کلی و کارکرد بخش های گوناگون آن به صورت جزئی برای نسل امروز تبیین گردد و تأثیر دین در جهت زدودن ترس، دلهره و اضطراب گفته شود شاهد دین گریزی دست کم از این ناحیه نخواهیم بود.

د. طرح سازگاری دین و علم

در مرحله پیشگیری از تصور ناسازگاری علم و دین، نخست باید اهمیت علم و دانش در نگاه دین را به بحث نشست. و در مرحله دوم قلمرو علم و دین را از یکدیگر باز شناخت. فهمی از دین که گستره قلمرو آن تمامی دانش ها و علوم باشد با علم بسیار ناسازگار می افتد. فهمی که فیزیک، شیمی، زیست شناسی، نجوم، زمین شناسی و... را در قلمرو دین بیاورد چندان مورد رضایت نیست. دانشمندان این فهم را بر نمی تابند و از ناسازگاری گسترده آن با یافته ها و دانسته های جدید سخن خواهند گفت.

برای نمونه وقتی طنطاوی قرآن را دریای معارف و دانش های بشری می بیند و با این نگاه به تفسیر می نشیند ناگزیر از طرح و عرضه نظریات و تئوری هایی خواهد شد که به هیچ روی با یافته های جدید علمی سازگار نمی افتد. وقتی او از نظریه انفجار بزرگ می گوید و سدیم را منشأ جهان هستی می خواند بسیاری از دانشمندان را به رودر رویی با خود می کشاند و آنها را به دین گریزی رهنمون می سازد. این دانشمندان تصویری از عالم سدیم ندارند و آن را در هاله ای از ابهام می دانند و قرآن را ناسازگار با علم می بینند.

۲. پیاده سازی و عملیاتی کردن دین

عملیاتی کردن رهنمودهای اقتصادی، سیاسی اجتماعی قرآن و سالم سازی جامعه و افراد بر اساس الگوی ارائه شده در قرآن یکی از راهکارهای پراهمیت در راستای پیشگیری از دین گریزی است که خود در چند محور می گنجد:

* توصیه های اقتصادی

این پیاده سازی، دین گریزی برخاسته از فقر و تهاجم را از میان می برد. در این رهنمودها از سویی کار، تلاش و تولید بسیار پراهمیت نشان داده شده است:

«و أن لیس للانسان إلا ما سعی» نجم/۳۹

و از سویی دیگر دینداران باید بخشی از درآمد خود را به عنوان زکات، صدقه و انفاق به مستمندان و نیازمندان بپردازند:

«وأنفقوا فی سبیل الله» بقره/۱۹۵

«إن تقرضوا الله قرضاً حسناً یضاعفه لکم» تغابن/۱۷

«من ذا الذی یقرض الله قرضاً حسناً فیضاعفه له» حدید/۱۱

«للفقراء الذین أحصروا فی سبیل الله» بقره/۲۷۲

* توصیه های سیاسی اجتماعی

خشونت، اجبار و سخت گیری در اسلام ناپسند است. در توصیه های اسلام، اکراهی در پذیرش دین نیست:

«لا إکراه فی الدین» بقره/۲۵۸

پیامبر تنها بشیر و نذیر است:

«و ما أرسلناک إلا مبشراً و نذیراً» اسراء/۱۰۵

آن حضرت وظیفه یا حق فشار و اکراه ندارد:

«فإن تولیتهم فإنما علی رسولنا البلاغ المبین» تغابن/۱۲

رسول اسلام نباید سخت گیری کند. سخت گیری مردم را از ایشان می گریزند:

«فبما رحمة من الله لنت لهم و لو کنت فظاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک فاعف عنهم و استغفر

لهم» آل عمران/۱۵۹

بر اساس این رهنمودها سخت گیری بر شهروندان، تحمیل خواسته ها و ایجاد محدودیت های فراگیر با روح حاکم بر آیات قرآن سازگار نیست. به قیاس اولویت، در خانواده نیز سخت گیری و فشار بر اعضای خانواده مطلوب نیست. وظیفه پدر و مادر، معرفی دین و بیان واجبات و محرمات و فلسفه آنهاست، نه واداشتن فرزندان به نماز، روزه، یا بازداشتن آنها از شنیدن موسیقی، یا حرام های دیگر. فرزندانی که همواره در باید و نباید و امر و نهی زیسته اند پس از رهایی از سلطه پدر و مادر یکسره سرکش می نمایند و به واجبات و محرمات واقعی نمی نهند و بسیار بیشتر از دیگران، دین گریزی دارند.

۳. انسان سازی

بیماری های روحی و روانی گروهی از دینداران، انحراف عده ای از سخنگویان دین و آلودگی محیط، در شمار عوامل دین گریزی قرار دارند. برای پیشگیری از این شکل دین گریزی ناگزیر از زدودن زمینه های بیماری، انحراف و آلودگی هستیم.

در نگاه قرآن، باورها و عبادات، در فرایند پیشگیری بسیار موفق جلوه می کند:
«إنّ الصلوة تنهى عن الفحشاء و المنکر»

«کتب علیکم الصیام کما کتب علی الذین من قبلکم لعلکم تتقون» بقره/۱۸۳
افزون بر این، فساد، بغی، حسد، تکبر و... از صفات رذیله خوانده شده و انسان از گرفتاری به این صفات پرهیز داده شده است.

در این راستا سخنگویان دین نیز از تحریف دین، سرپوش نهادن بر حقایق، دنیامداری، کج روی، ناشایست رفتاری و گفتاری باز داشته شده اند، سازگاری گفتار و رفتار از آنها خواسته شده، از غلو در دین و خرافه سازی نهی شده اند و حق اجبار و اکراه از آنها گرفته شده است:

«فویل للذین یکتبون الکتاب بأیدیهم ثمّ یقولون هذا من عندالله لیشتروا به ثمناً قليلاً»

بقره/۷۹

«یا أهل الکتاب لاتغلو فی دینکم» نساء/۱۷۱

«یا ایها الذین آمنوا لم تقولون ما لاتفعلون» صف/۲

«لا إکراه فی الدین»

«فیما رحمۀ من الله لنت لهم و لو کنت فظلاً غلیظ القلب لانفضوا من حولک» آل

عمران/۱۵۹

افزون بر این در مرحله پذیرش نیز باید سخت گیری ها بیشتر باشد. شایسته نیست هر نازیباروی از همه جا رانده ای بر مسند آموزگاران دینی نشیند و سخن از دین بگوید. معلمان دینی باید از میان بهترین ها انتخاب شوند، چنان که سخنگویانی که خدا بر می گزیند از بهترین ها هستند. پیامبران الهی همگی نیک رفتار و خوش گفتار و از عیوب و آفت های آفرینشی به دور بوده اند.

مرحله درمان

اگر در مرحله پیشگیری راهکارها ناموفق جلوه کند و دین گریزی شکل گیرد باید با راهکارهایی به درمان دین گریزی نشست. راهکارهای درمان دین گریزی بسته به عوامل دین گریزی متفاوت است. درمان دین گریزی ناشی از فقر، متفاوت با دین گریزی ناشی از خشونت و فشار است، چنان که در انواع دیگر دین گریزی راهکارها بسیار متفاوت می نماید، بنابراین هر شکل دین گریزی درمان خاصی را می طلبد و ناگزیر از بحث و بررسی انواع دین گریزی هستیم.

✽ دین گریزی برخاسته از ناسازگار دیدن عقل و دین

این شکل از دین گریزی با روشهایی قابل درمان است:

۱. سازگار ساختن دین و عقل

در این شیوه ناگزیر از ارزش گذاری هر یک از دین و عقل هستیم. آیا یک دریافت عقلی از آن چنان ارزش و منزلتی برخوردار است که یک فهم از دین را به نفع آن کنار نهیم و در موارد ناسازگاری، حکم عقل را مقدم داریم و فهم از دین را توجیه کنیم؛ یا دریافت های عقلی شایسته چنین عزت و احترامی نیستند و باید فدای فهم های دینی گردند؟!

پیشینه فهم دین، نشان از قربانی شدن برخی فهم های دینی در مواردی و شماری از دریافت های عقلی در مواردی دیگر دارد. در قسمت متافیزیک و مقولات فرامادی، عقل قدرت یکه تاز است و فهم دین را در موارد ناسازگاری از صحنه بیرون می کند، و در مقولات دیگر فهم دین حاکم می گردد و عقل ناتوان معرفی می شود! در بحث خدانشناسی و نبوت و... عقل حاکم می گردد و به نفع حکم عقل، فهم، اصلاح و توجیه می شود، اما در بخش رفتارها، زندگی، حکومت داری و... فهم دینی حاکم می شود و عقل ناتوان از دریافت مصالح و مفاسد معرفی می شود. عقلی که در متافیزیک پر قدرت می نماید و در فهم دین نیز کارا است به ناگهان در سایر موضوعات و زمینه ها زمین می خورد و از ناتوانی و ضعف آن سخن گفته می شود. در صورتی که اگر عقل ضعیف است در فهم دین نیز ضعیف خواهد بود، در نتیجه فهم ما از دین نیز استواری لازم را نخواهد داشت و معیاری برای جلوگیری از نابایسته گویی و کج روی برخی از تفسیرگران نمی شود.

افزون بر این اگر عقل ناتوان است این عجز در متافیزیک بیشتر از جهان فیزیک است؛ چه آنکه در این محدوده انجام پروسه آزمون و خطا امکان پذیر است و می توان در جریان این پروسه از درستی یا نادرستی شماری از دریافت های عقلی اطمینان یافت و در صورتی نادرستی به سوی دریافت های دیگری حرکت کرد، اما در متافیزیک چنین امکانی نیست.

بنابراین باید در حد امکان از گستره قلمرو ناسازگاری کاست و احکام عقلی آزمون شده و مثبت را مقدم بر فهم های خاص از دین داشت. وقتی یک فهم نتیجه نمی دهد و پیامدهای ناگواری با خود به همراه می آورد، باید دوباره فهمی دیگر به کار زد، باید فهمی ساخت که با عقل درگیر نشود و خشم همگان را با خود نیاورد. چنان که حکم عقل در مورد عصمت پیامبران بر فهمی خاص از دین مقدم می شود، حکم عقل در سیاست، اقتصاد، حکومت داری، حقوق و... نیز باید مقدم گردد.

با این رویکرد، زن از زمین ارث می برد، دیه اهل کتاب برابر با مسلمانان می گردد، بسیاری از دیدگاه های فقهی تغییر می کنند و...

در تمام این موارد بازیگر اصلی عقل است، اما وقتی این نقش را بر نمی تابند با عناوین دیگری بازنگری و نواندیشی و دوباره فهمی را انجام می دهند.

بر این اساس در آیات قرآن دین خرافه زدایی می شود و باورهای خرد گریز از ساحت دین پاک می شود. خطاب به عیسی(ع) می خوانیم:

«أنت قلت للناس اتخذوني وأمي إلهين من دون الله»

و عیسی(ع) در پاسخ می گوید:

«سبحانک ما یکون لی أن أقول ما لیس لی بحق» مائده/۱۱۶

و در راستای مبارزه با خردگریزی، دین یهود و مسیحیت پالایش می شوند و اعتقاد به اینکه عزیر و مسیح پسران خدا هستند، از ساحت دین پاک می شود و فرزندخواندن برای خداوند باور بی دینان معرفی می شود:

«و قالت الیهود عزیر ابن الله و قالت النصارى المسيح ابن الله ذلک قولهم بأفواههم یضاهئون قول

الذین کفروا من قبل قاتلهم الله أنى یؤفکون» توبه/۳۰

* دین گریزی برخاسته از شک و تردید

در درمان این شکل از دین گریزی راهکار نخست قرآن تشویق افراد به بیرون ریختن شک و تردید در قالب پرسش است:

«فإن كنت في شك مما أنزلنا إليك فسئل الذين يقرؤون الكتاب من قبلك»

یونس/۹۴

«فاسئلوا أهل الذكر إن كنتم لاتعلمون»

وقتی شک و تردید در قالب پرسش درآید امکان پاسخ گویی صاحب نظران فراهم می شود، اما وقتی برون ریزی نشود و پاسخ نیابد رسوب می گیرد و بستر مناسبی برای دین گریزی می گردد.

برون ریزی شک و تردید در عصر جدید نسبت به اعصار گذشته بسیار آسان تر و کم خطرتر است. در گذشته هراس از انگ و بد نام شدن و... اجازه برون ریزی را به افراد نمی داد، اما امروزه رایانه و دیگر ابزارهای ارتباطی و اطلاعاتی، نگرانی را از افراد گرفته است. افراد به آسانی تمامی شک و تردیدهای خویش را در سایت ها و وبلاگ ها می سازند، خود را یکسره تخلیه می کنند و هیچ نگرانی به خود راه نمی دهند.

راهکار دوم پاسخ گویی، مستند سازی دوباره و بهینه سازی مستندات و بازگویی پیرایش شده باورها است.

پیامبر اسلام به کسانی که نسبت به دین آن حضرت شک و تردید دارند درس خدانشناسی می دهد:

«قل يا أيها الناس إن كنتم في شك من دینی فلاعبدوا الذين تعبدون من دون الله و لكن أعبد الله الذی يتوفاكم و أمرت أن أكون من المؤمنین و أن أقم وجهك للدين حنیفاً و لاتكوننّ من المشركین. و لاتدع من دون الله ما لاینفعك و لا یضرک فإن فعلت فإنک إذاً من الظالمین»

یونس/۱۰۴-۱۰۶

همچنین آنان که در وحیانی بودن قرآن شک و تردید دارند مورد توجه قرار می گیرند و پاسخی کوبنده دریافت می کنند:

«و إن كنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فأتوا بسورة من مثله» بقره/۲۳

«قل فأتوا بسورة مثله و ادعوا من استطعتم من دون الله» یونس/۳۸

«قل فأتوا بعشر سور مثله مفتریات» هود/۱۳

آفرینش انسان و مراحل زندگی پاسخ کسانی می شود که در آخرت شک دارند:

«يا أيها الناس إن كنتم فی ریب من البعث فإننا خلقناكم من تراب ثم من نطفة ثم من علقه ثم من مضغة مخلقة و غیرمخلقة...» حج/۵

حضرت صالح(ع) به کمک معجزه شک زدایی و تردید شکنی می کند:

«و إننا لفي شك مما تدعونا إليه مریب. قال یا قوم أرأیتم إن كنت علی بینة من ربی و آتانی منه رحمة فمن ینصرنی من الله إن عصيته فما تزیدوننی غیرتخسیر. و یا قوم هذه ناقة الله لكم آية فذروها تأکل فی أرض الله» هود/۶۲-۶۴

در مرحله پاسخ گویی، انتخاب وسیله مناسب بسیار تأثیرگذار است. کتاب نویسی و مقاله نویسی هر چند شیوه های مناسبی برای انتقال پاسخ هستند، اما در مقایسه با روش های اطلاع رسانی نوین

مانند وبلاگ نویسی چندان سودمند نیستند. مراجعه به اینترنت بیشتر از کتاب و مطبوعات است و رساندن پاسخ به شخص پرسشگر، آسان تر. افزون بر این وبلاگ نویسی مشکلات و دردسرهای چاپ و انتشار کتاب و مجله را ندارد و امکان تعامل و گفت و گو را بیشتر فراهم می آورد.

✽ احساس آرامش بخش نبودن دین

برای مقابله با احساس آرامش بخش نبودن دین، در مرحله نخست باید نگاه یک بعدی به دین شکسته شود و دین به عنوان یک مجموعه سازوار درآید و تمام ابعاد آن برجسته گردد. نگاه یک سویه به دین و طرح یک سویه باید و نبایدها، بکن و نکن ها، کیفر، تازیانه، سنگسار، تبعید و... دین را ناکارآمد و ناسازگار با امید و عشق و سعادت نشان می دهد. دینی که تنها سنگسار، شلاق، و امر و نهی آن به گوش برسد و نمود یابد جز گریزاندن پیروان نتیجه ای نمی دهد. با کمک دین می توان عشق را در دینداران حیات بخشید، به آنها امید داد، سعادت بخشی دین را برجسته ساخت و آرامش بخشی آن را نشان داد و نبایدها و نبایدها و امر و نهی ها را در راستای آرامش بخشی و سعادت آفرینی دین به بحث گرفت.

شروع حرکت در طرح دین بسیار مهم است، آنچه اکنون گاه در عرصه طرح دین دیده می شود نتیجه ای جز گریز ندارد. در طرح دین الگوبرداری از قرآن بسیار ارزشمند و راهگشاست. در قرآن نخست باور سازی می شود و پس از فراهم آمدن بستر مناسب، تکالیف و امر و نهی آغاز می شود و سخن از مجازات گفته می شود.

در مرحله دوم باید دین را در برابر ایسم ها و ادیان نوپیدا تقویت کرد، آرامش بخشی و سعادت آفرینی دین را در مقایسه با دیگر مدعیان بالا برد و روش های نوآمد سعادت آفرینی را مستند سازی کرد و با آن یافته ها نگاهی دوباره و چندباره به دین داشت، و در هر رفت و برگشت می توان چیزهایی از دین آموخت و بر آموزه ها و راهکارها افزود و هدف مهم و اساسی دین را تحقق بخشید؛ چنان که در مورد سایر دانش ها نیز نگاه دوباره دریچه های جدیدی فرا روی ما می گشاید.

✽ ناسازگار دیدن علم و دین

بهترین درمان دین گریزی برخاسته از ناسازگار پنداری علم و دین، پاسخ از موارد ناسازگار است. در موارد ناسازگار، گاه یافته علمی در سطحی نیست که بتواند در برابر دین ایستادگی کند و ناسازگاری به وجود آورد، و گاه فهم از دین به گونه ای نیست که ناسازگاری رخ نماید. در این گونه موارد تصور ناسازگاری باطل می نماید. اما اگر یافته های قطعی و علمی نماید و فهمی از دین نیز استوار جلوه کند در این صورت آن فهم خاص از دین را به کمک یافته علمی می توان اصلاح کرد یا ناتمام خواند؛ چه اینکه در نگاه قرآن، تمامی موجودات و مخلوقات کلمه خدا هستند و کلمات الهی تنها واژگان قرآن نیستند.

«و جعلها کلمة باقیة فی عقبه» زخرف/ ۲۸

«إذ قالت الملائكة يا مريم إن الله يبشرك بكلمة منه اسمه المسيح بن مريم»

آل

عمران/ ۴۵

«فنادته الملائكة و هو قائم يصلی فی المحراب أن الله يبشرك بيحيى مصدقاً بكلمة من الله» آل

عمران/۳۹

«إنما المسيح عيسى بن مريم رسول الله و كلمته»

«و يريد الله أن يحقّ الحقّ بكلماته» انفال/۷

«و اذ ابتلى ابراهيم ربّه بكلماته» بقره/۱۲۴

افزون بر این در نگاه قرآن، آیات الهی تنها به آیات قرآن محدود نمی شود، بلکه چنان که بخشهایی از قرآن آیه نامیده می شود (بقره/۱۰۶ و آل عمران/۷) تمامی موجودات و مخلوقات وهستی نیز از آیات الهی به شمار می آیند.

بنابراین وقتی ناسازگاری رخ می دهد این ناسازگاری میان فهم ما از یک دسته واژه ها و دریافت و شناخت ما از دیگر آفریدگان (کلمات و آیات الهی) رخ می دهد. با این فرض باید آیه های قرآن ناسازگار با علم را به کمک این آیات و کلمات دوباره فهمی کرد.

به عبارت دیگر نقش این مخلوقات در تفسیر کلمات قرآن مانند نقش آیات محکم در تفسیر آیات متشابه است؛ با این نگاه، آیات محکم بخشی از آیات قرآن و تمامی موجودات و مخلوقات خدا خواهد بود و در این صورت آیات و کلمات محکمی که در بیرون قرآن قرار دارد در هر نوع ناسازگاری قوی تر از آیات و کلمات قرآن هستند، چه اینکه ابزار و آلات ما در دریافت و شناخت موجودات هستی از روش ها و ابزار فهم آیات توان بیشتری دارد. فهم ما از آیات ظنی است، ولی ابزار و آلات علم و روش های آن نتیجه قطعی یا دست کم نتیجه مطمئن تری با خود می آورد.

بنابراین وقتی نشانه ها و قرائن بسیاری از درستی اصل تکامل حکایت دارد، به کمک این اصل می توان به تفسیر و توجیه آیاتی پرداخت که ناسازگار با تکامل می نماید. اگر برخی آیات به ظاهر حرکت زمین را بر نمی تابد و خورشید مرکزی را نتیجه می دهد، می توان با آیه و کلمه خدا (حرکت زمین) که محکم می نماید و یک یافته علمی است به توجیه آیات ناسازگار نشست. و اگر از آیه شریفه «الذی جعل لكم الأرض فراشاً» (بقره/۲۲) عده ای مسطح بودن زمین را نتیجه گرفته اند، می توان با آیه و کلمه خدا «کروی بودن زمین» به تفسیر دوباره آیات ناسازگار نشست و کروی بودن زمین را نتیجه گرفت.

تقدم یک یافته بر فهمی خاص از دین هرچند ممکن است تزلزل شدیدی در خدانشناسی ایجاد کند و تصور ما در مورد خداوند را مخدوش سازد، اما با بازسازی و بهینه سازی باورها می توان هم چنان دیندار ماند؛ چنان که در میان دینداران اختلافات شدیدی در مورد خدا و صفات اوست و این اختلافات آنها را از شمار دینداران بیرون نمی سازد. افزون بر این، چنان که عقل در مواردی لزوم پالایش اعتقادات را به وجود آورده و می آورد، علم نیز می تواند چنین نقشی داشته باشد و برخی باورها را نادرست نشان دهد و ما را ناگزیر از تجدید نظر در فهماندن نماید. اگر نظریه تکامل، نظم مورد نظر دینداران را زیر سؤال می برد، می توان هم چنان دینداری را ادامه داد و از روش های دیگری خدا را اثبات کرد.

✽ دین گریزی برخاسته از خشونت

در درمان این دین گریزی نخست باید چهره خشن دین را از ذهن دین گریزان پاک کرد و دین را آیین مهر و محبت نشان داد. اگر شخص دین گریز، خشونت، فشار، تهدید و ارباب را خود سری والدین، متولیان تعلیم و تربیت و مسئولان ببیند؛ و نه خواست دین، گریز او از افراد و برخی جریانات خواهد بود، نه دین.

* دین گریزی برخاسته از فقر

اگر رهنمودهای اقتصادی قرآن عملیاتی نشود، بیکاری گسترده شود و درصد بالایی از نیروی کار در شمار بیکاران قرار گیرند و در نتیجه راهکارهای فقرزدایی با انبوه مستمندان و نیازمندان نتیجه ندهد، در این صورت حکومت برای جلوگیری از دین گریزی و دیگر آسیب های اجتماعی ناگزیر از ایجاد اشتغال، پرداخت مستمری به بیکاران و بهینه سازی و نوسازی اقتصاد است؛ چنان که پیامبران در برابر مردم چنین احساسی داشتند و خواستار امنیت جانی و اقتصادی مردم بودند و در این مسیر سختی ها و مشکلات را با جان و دل می خریدند:

«و إذ قال ابراهیم ربّ اجعل هذا بلداً آمناً و ارزق أهله من الثمرات» بقره/۱۲۶

افزون بر این، حکومت در برابر مستمندان مسئول است و باید با پرداخت مستمری و دیگر پرداخت ها و یارانه ها از تأثیر فقر بر دین گریزی بکاهد.

* دین گریزی برخاسته از محیط و دوستان

زیستن در محیط هایی که محصول مهم آن دین گریزی است به آسانی امکان پذیر نیست. این محیط ها ناخودآگاه افراد را تحت تأثیر شدید قرار می دهد و آنها را ناخواسته به سمت دین گریزی می برد. در چنین مواردی نخستین مرحله درمان، جداسازی دین گریزان از محیط است؛ چه اینکه زیست در این محیط ها درمان را ناموفق می سازد و همیشه دور و تسلسل درمانی به وجود می آورد، از درمان فرد به بهسازی محیط، و از بهسازی و درمان محیط به درمان فرد. وقتی فرد درمان شود زیست او در محیط آلوده گرفتاری دوباره در دام دین گریزی می آورد و درمان محیط و بهسازی محیط با زیست دین گریزان در این محیط امکان پذیر نیست.

مرحله جداسازی فرد از محیط در آیات قرآن نیز دیده می شود؛ مسلمانان از محیط ناسالم مکه هجرت می کنند و دین گریزان در آخرت به دلیل هجرت نکردن محاکمه می شوند و کیفر می بینند:

«قالوا ألم تکن ارض الله واسعة فتهاجروا فیها» نساء/۹۷

حضرت نوح(ع) نیز برای رهایی فرزند خویش از دین گریزی در پی جداسازی او از دوستان ناباب و دین ستیز بود:

«و نادى نوح ابنه و كان فى معزل یا بنى اركب معنا و لاتكن من الكافرين» هود/۴۲

مرحله دوم درمان، پاک سازی محیط است؛ در این مرحله نیز جداسازی دین گریزانی که آگاهانه به این وادی رفته اند از دین گریزانی که ناخودآگاه در این آسیب گرفتار آمده اند ضروری است. دسته نخست با راه حل هایی که در مرحله پیش گیری و درمان گفته شد درمان پذیرند؛ اما دین گریزان دسته دوم با جداسازی از محیط به دین باوری بر می گردند.

۱. مورنو، آنتونیو، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ترجمه داریوش مهرجویی، ۹۹.
۲. کی نیا، مهدی، مبانی جرم‌شناسی، ۲۴۳/۲.
۳. همان، ۲۵۰/۲.
۴. احمدی، احمد، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ۳۵.
۵. آیزنبرگ، نانسی، رفتارهای اجتماعی کودکان، ترجمه بهار ملکی، ۱۱۱.
۶. همان، ۱۵۲.
۷. گری گوری، روان‌شناسی نوجوانان و جوانان، ترجمه مهدی تقی زاده، ۲۶۳.
۸. فرجاد، آسیب‌شناسی اجتماعی، ۱۴.
۹. بولتون، رابرت، روان‌شناسی روابط انسانی ترجمه حمیدرضا سهرابی، ۲۵.
۱۰. مورنو، آنتونیک، یونگ، خدایان و انسان مدرن، ۱۰۰.
۱۱. همان.
۱۲. همیلتون، جامعه‌شناسی دین، ۱۱۷.
۱۳. همان، ۸۶.
۱۴. دین و چشم‌اندازهای نو، مقاله دین و نیازهای فرد، ۱۲۲.
۱۵. یونگ، انسان امروزی در جستجوی روح فرد، ۱۸۲.
۱۶. مزلو، ابراهام، ۳۴۷.
۱۷. جان اف هات، علم و دین، ترجمه بتول نجفی، ۵۹.
۱۸. همان، ۹۱.
۱۹. محمد رشید رضا، تفسیر المنار، ۳۴۸/۷.
۲۰. گورسکی، ل. پیاتی، مبانی مسیحیت، ۱۸۱.
۲۱. بوکای، موریس، قرآن و عهدین، ۳۴.
۲۲. شیخاوندی، داور، جامعه‌شناسی انحرافات، ۱۹۹.

